

خبر

۲ فهرست از بهترین فیلم‌های سال منتشر شد

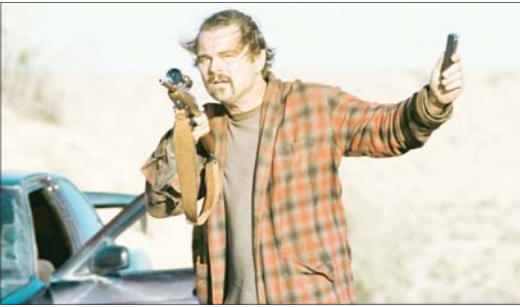
ایسنا: با نزدیک‌شدن به روزهای پایانی سال ۲۰۲۵، نشریه معتبر کایه‌دوسینما و مجله تایم، فهرست برترین فیلم‌های سال را منتشر کردند. با انتشار فهرست‌های پایان سال، نشریه شاخص سینمایی جهان؛ یعنی «کایه‌دوسینما» و «مجله تایم»، ۱۰ فیلم برتر سال ۲۰۲۵ را معرفی کردند: انتخاب‌هایی که مجموعه‌ای از آثار جشنواره‌ای تا فیلم‌های جریان اصلی و نیز چند عنوان کمتر دیده‌شده را در بر می‌گیرد. در فهرست کایه‌دوسینما، فیلم «بعدازظهرهای تنهایی» ساخته آلبرت سرا که نخستین بار سال گذشته در جشنواره‌ها دیده شد اما امسال اکران گسترده‌تری داشت، در رتبه نخست قرار گرفته است.

پس از آن «یک نبرد پس از دیگری» اثر پل توماس اندرسن دوم شد و آثاری از ناداو لاپید، کلیر مندوسا فیلیپو و ریچارد لینکلینر نیز در میان انتخاب‌های سردبیران این نشریه دیده می‌شود. تازه‌ترین فیلم کریستین پتزولد با عنوان «آینه‌ها: شماره ۳» نیز در این فهرست قرار دارد. از جمله فیلم‌های کمتر دیده‌شده در بازار آمریکای شمالی که کایه‌دوسینما به آنها توجه نشان داده، می‌توان به «تنها در توفان آرام می‌گیرم» ساخته پدرو پینو و «ماجراجویی» اثر سوفی لئورنور اشاره کرد.

در مقابل، مجله تایم نیز فهرست سالانه خود را منتشر کرده است که با صدرنشینی فیلم «موج نو» از ریچارد لینکلینر آغاز می‌شود. لینکلینر علاوه بر جایگاه نخست، با فیلم «ماه آبی» نیز رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. در رتبه دوم، فیلم «یک افسر و یک جاسوس» ساخته رومن پولانسکی قرار دارد. فیلم‌های «ارزش عاطفی» از یواخیم تریه، «لوران بی‌مقصد» از آنتون بالکبیان، «روغن» از درک سیانفرانس و «گناهکاران» اثر رایان کوگلر نیز از دیگر آثار انتخاب‌شده هستند. فهرست تایم با فیلم «مغز متفکر» از کلی رایکار، «سوارکار را بکش» از لوییژ اورتگا و «یکی از آنها روزها» ساخته لارنس لامونت کامل می‌شود.

فهرست کامل برترین فیلم‌های ۲۰۲۵ از نگاه دو نشریه:

فهرست ۱۰ فیلم برتر سال به انتخاب «کایه‌دوسینما»:
۱. بعدازظهرهای تنهایی، آلبرت سرا، اسپانیا/پرتغال/فرانسه
۲. یک نبرد پس از دیگری، پل توماس اندرسن، آمریکا
۳. بله!، ناداو لپید، فرانسه/اسرائیل/قبرس/آلمان
۴. مامور مخفی، کلیر مندوسا فیلیپو، برزیل/فرانسه/آلمان/هلند
۵. من تنها در توفان آرام می‌گیرم، پدرو پینو، پرتغال/برزیل/فرانسه/رومانی
۶. ماجراجویی، سوفی لئورنور، فرانسه
۷. گناهکاران، رایان کوگلر
۸. مغز متفکر، کلی رایکار
۹. فرانسه
۸. موج نو، ریچارد لینکلینر، فرانسه/آمریکا
۹. لوران بی‌مقصد، آنتون بالکبیان، لوئو کوئور، ماتئو اوستاشون، فرانسه
۱۰. آینه‌های شماره ۳، کریستین پتزولد، آلمان.



فهرست ۱۰ فیلم برتر سال به انتخاب مجله تایم:
۱. موج نو، ریچارد لینکلینر
۲. یک افسر و یک جاسوس، رومن پولانسکی
۳. ماه آبی، ریچارد لینکلینر
۴. ارزش عاطفی، یواخیم تریر
۵. روز پیر هوجار، ایرا ساکس
۶. روغن، درک سیانفرانس
۷. گناهکاران، رایان کوگلر
۸. مغز متفکر، کلی رایکار
۹. سوارکار را بکش، لوییژ اورتگا
۱۰. یکی از آنها روزها، لارنس لامونت.

اجرای نمایش نامه بهرام بیضایی در تالار حافظ منتفی است

مجری طرح نمایش دنیای مطبوعاتی آقای اسراری اعلام کرد اجرای این نمایش در تالار حافظ منتفی است.

ایمان یزدی، مجری طرح و مدیر تولید نمایش «دنیای مطبوعاتی آقای اسراری»، با انتقاد از مدیریت تالار حافظ و بنیاد رودکی، از لغو برنامه تمرینات، بی‌نظمی در زمان بندی و برخورد غیر حرفه‌ای با گروه‌های تاتری گفت و اعلام کرد که اجرای نمایش خود را در این سالن منتفی می‌داند و پیگیری حقوقی خسارات را در دستور کار قرار خواهد داد.

«دنیای مطبوعاتی آقای اسراری» نوشته بهرام بیضایی است که طبق اعلام گروه با سختی‌های فراوان از این کارگردان سرشناس مجوز گرفته و در مسیر تمرین و رسیدن به اجرا با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بوده است. ایمان یزدی، مجری طرح و مدیر تولید نمایش «دنیای مطبوعاتی آقای اسراری»، به تهیه‌کنندگی محمود پیری و کارگردانی آرمان شهبازی درباره مشکلات پیش‌آمده با تالار حافظ و بنیاد رودکی توضیحاتی داده است که در ادامه بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم.

ایزدی یادآور شده است: پیش‌تر هم با تالار حافظ چنین چالشی داشتیم. واقعا نمی‌دانم مشکل مدیریت این مجموعه چیست؛ گویی اساسا نمی‌خواهند اجرای تئاتر در این سالن شکل بگیرد. طبق تفاه‌نامه، ما قرار بود از پنجشنبه بیستم مرداد به اجرای خود برسیم. حتی وقتی از ما خواستند زودتر اجرا برویم، پذیرفتیم. این حق هر گروهی است که پیش از اجرا چند روزی تمرین در سالن داشته باشد، دکور نصب کند، چچه‌ها با صحنه و نور هماهنگ شوند، اما متأسفانه در سیستم بنیاد رودکی همه چیز براساس «همینی که هست» پیش می‌رود.

او ادامه داد: ما برنامه‌ریزی کرده بودیم از جمعه همین هفته در سالن تمرین داشته باشیم. سالن هم خالی بود و اجرای دیگری نداشت، اما ناگهان گفتند گروه دیگری می‌خواهد اجرا کند و کل برنامه ما را لغو کردند؛ یعنی نه تمرین در سالن و نه نصب دکور. طبق تصمیم جدید باید فقط دو روز قبل از اجرا دکور بیاوریم، نور بندیم، روز اجرا تمرین کنیم و شب اجرا برویم. این ساختار کجای دنیا پذیرفتنی است؟ واقعا دوستان بنیاد رودکی باید توضیح بدهند. یزدی تاکید کرد: من قطعا در تالار حافظ اجرا نخواهم رفت. تهیه‌کننده دو میلیارد تومان هزینه نکرده است که دوستان هرطور دل‌شان خواست رفتار کنند. ما با بودجه خصوصی وارد تئاتر شده‌ایم و انتظار داریم با احترام برخورد شود. یزدی درباره پیش‌پرداخت برای اجرا گفت: طبق قانون پیش‌پرداخت را کامل بریزد! درحالی‌که جالب اینجاست که اگر این پیش‌پرداخت را ندهی، حتی متن را در سامانه نمایشی ثبت نمی‌کنند؛ درحالی‌که ادعا می‌شود اینها «حمایت از تئاتر» است. ما همه کارها را قانونی انجام دادیم، اما در نهایت با بی‌احترامی مواجه شدیم.

او درباره تغییر سالن هم توضیح داد: فعلا تصمیم قطعی نگرفتم، اما مطمئناً اجرای نمایش در تالار حافظ نخواهد بود. علاوه بر آن، همه خسارات واردشده را پیگیری می‌کنم؛ حتی شده از وزارتخانه، شخص وزیر، معاون وزیر و هیئت امنای بنیاد رودکی. این تصمیمات شخصی و ناگهانی قابل قبول نیست.



حسین‌طوفان‌خانی، بازیگر-کارگردان

گفت‌وگو با کاظم هژیر آزاد به بهانه بازی در نمایش «خندیدن زیر مشت و لگد»

تئاتر چندان جدی گرفته نمی‌شود

بهناز شیربانی

مراعات کند که به جسمش آسیبی نزند. ما این‌طور آموزش دیدیم که تئاتر یک مکان محترم است و بازیگر و دیگر عوامل هم این‌طور به کار نگاه می‌کنند.»

این بازیگر پیش‌کسوت تئاتر در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «تمام مکاتب بازیگری دنیا خوب هستند و واقعا باید مسئولانه نسبت به کار تئاتر فکر کرد، ولی مهم‌ترین و بزرگ‌ترین آموزه‌ها از نظر من متعلق به استانیسلافسکی است. در آموزه‌های خودش به بازیگر این‌طور درس می‌دهد که خیلی باید رعایت خوردن و آشامیدن و رفتار اجتماعی را کرد؛ چراکه بازیگر الگوی اجتماعی است. در کنایش مثال می‌زند و از برمولا، یکی از رقصندگان یک اپرا مثال می‌آورد که در یک میهمانی فقط دو قاشق سوپ می‌خورد و وقتی از او می‌پرسند که حالا که میهمانی است چرا درست نمی‌خوری؟ در پاسخ می‌گوید فردا باید برقصم و اگر کمی بیشتر بخورم، روی کارم تأثیر می‌گذارد و این درسی است که به دانش‌آموزان خودش در آن زمان داده است. طبیعی است که بازیگر باید روی یک نظم و انضباط شخصی زندگی کند، بدشن را حفظ کند و از خودش مراقبت کند.»

او در پاسخ به این پرسشش که مدت‌زمانی است افت کیفی محسوسی در اجراهای تئاتری ما دیده می‌شود و نگاه او نسبت به این موضوع چیست؟ گفت: «من با شما موافقم. شاید به این دلیل است که تئاتر چندان جدی گرفته نمی‌شود و افراد صاحب فکر و صاحب عقیده و تکنیک همه از بین ما رفته‌اند و عمرشان را سپری کرده‌اند یا در ایران زندگی نمی‌کنند و حقیقتاً که جایگزینی هم ندارند. مثلاً آقای مصطفی اسکویی، حمید سمندریان، علی رفیعی که ان‌شاءالله سال‌های سال زنده باشد، ولی در حال حاضر کار نمی‌کند. متأسفانه تئاتر چندان جدی گرفته نمی‌شود و حتی در دانشکده‌های ما هم نسبت به تئاتر کوتاهی می‌شود. ما درواقع استاد بازیگری نداریم. دیگر آقای سمندریان نیست که به اسمش قسم می‌خوردند یا اسکویی که بازیگران زیادی را پرورش داد. آقای مهدی فتحی از بزرگ‌ترین بازیگران تئاتر این مملکت

بود، همین‌طور مهین اسکویی که دیگر جایگزینی ندارند. خانم سوسن تسلیمی را نداریم که یگانه است. هنرپیشه‌های خوب خانم و آقا داریم که استعداد دارند و توانمند هستند، اما به کار گرفته نمی‌شوند. نوشته خوبی نیست که تماشاچی را میخکوب کند، اگر هم هست، مکان خوبی برای اجرا نداریم.»

او ادامه داد: «به‌طور مثال، سه نمایش در تماشاخانه ملک اجرا می‌شود؛ یکی ساعت شش، یکی ساعت ۷:۳۰ و یکی ساعت ۹ به این دلیل که سالن نداریم. با این شرایط طبیعی است که المان‌های جذاب در صحنه استفاده نمی‌شود و تعداد بازیگران هم زیاد نیست. از سوی دیگر، بازیگران هم هم‌زمان مشغول انجام چند کار هستند. زندگی مشکلات خاص خودش را دارد. پیشنهادهایی به بازیگران می‌شود و مجبور می‌شوند چند کار را هم‌زمان قبول کنند و از صبح تا غروب نصفی از بدن‌شان را آتجا بگذارند و بعدازظهر خسته روی صحنه حاضر باشند و طبیعی است که اثر خوبی نخواهد شد. ولی چاره‌ای نیست، مشکلات اقتصادی هست و یک بازیگر تنها از طریق تئاتر نمی‌تواند زندگی را تأمین کند. اینها همه برمی‌گردد به نبود شاکله و ساختمان تئاتر.» او ادامه داد: «تئاتری که الان داریم، یک چیز شترگاولپنگی است که ما هم انجام می‌دهیم. بعضی هژیرآزاد دربارۀ اجرای اخیر خود گفت: «این نمایش تعاملی است. من تجربه چنین نمایشی را نداشتم؛ اینکه در حین اجرا با تماشاچی صحبت می‌کنیم و او هم مشارکت می‌کند. این هم تجربه‌ای بود و یاد گرفتم که می‌شود این کار را هم انجام داد. سلیقه من تئاتر کلاسیک است، اما تئاتر تعاملی هم طرفداران خاص خودش را دارد و استادش هم سجاد افشاریان است که خوب هم این‌کار را انجام می‌دهد. در نهایت امیدوارم برای تئاتر کشورمان اتفاقات بهتری رقم بخورد.»

مهرجویی، مردی برای تمام فصول



فریور معیری

طراح گریم

نیاز تنها وسیله‌ای برای رسیدن به هدف هستند، نه خود مسیر. داریوش مهرجویی شناخت حسی دقیقی از گریم داشت. معمولاً همه چیز در متن مستتر بود؛ برداشتم از بن‌مایه شخصیت‌ها و روابط‌شان را در میان می‌گذاشتم و سپس همه توانم را با ظرافت در خدمت روایت درست شخصیت‌ها قرار می‌دادم. وقتی جهان شخصیت‌ها کامل و باورپذیر می‌شد، با نگاهی شیطنت‌آمیز رضایت عمیق خود را ابراز می‌کرد و این تازه اول کار بود. هر شخصیت در مسیر روایت لحظه به لحظه را‌کورد حس می‌شد و دارا بود و با دقت و ظرافت ساخته و پرداخته می‌شد و این با مفهوم کلیشه‌ای را‌کورد گریم متفاوت است.

برای مثال، شخصیت علی در ستوری، ۱۷ نوانس حسی در چهره دارد که به فراخور زمان، مکان و روایت متغیر و پویاست. ساخت شخصیت علی در «ستوری» نمونه‌ای درخشان از این همکاری بود؛ شاید درخشان‌تر از حمید در «هامون» و نقش آقای انتظامی در «گاوه». البته در قیاس گریم، ارزش‌گذاری بازیگری در صلاحیت و تخصص من نیست. بعدها شخصیت‌های اصلی فیلم نازنجی‌پوش، تهران تهران و چه خوبه برگشتی هم با همین نگرش ساخته و پرداخته شدند. کمتر کلامی ردوبدل می‌شد؛ هماهنگی نانوشتۀ‌ای در جریان بود. لذتی وصف‌ناشدنی از سربازی پای در رکاب و جنگاور برای فرماندهی هوشیار داشتم. سایه‌ها، کنتراست‌ها، فرم‌ها و تمام ابزارهای متداول کاری گریم با دقت و ظرافت اجرا و نصب می‌شدند؛ حالا همه نادیدنی‌های دیداری به عمق وجودی و زیستی شخصیت نفوذ می‌کرد و این همه اسرار دونفره ما بود. جایی دیگر گفتم‌ام کنار داریوش مهرجویی بودن و کارکردن برام مزه ناهار ظهر جمعه منزل پدری را دارد؛ جایی برای آموختن، بارورشدن، انتقال تجارب

یادداشت

نقد نظری بر نمایش «باران اسیدی» به کارگردانی الهام شعبانی باران اسیدی؛ اضطراب زیر پوست یک میهمانی

سهیلا انصاری

نمایش «باران اسیدی» در دل یک دوره‌می دوستانه، با انفجاری میهم آغاز می‌شود و به تدریج به کاوشی تلخ و شیرین از ترس، بی‌نظمی، عذاب وجدان و ناتوانی انسان در مواجهه با بحران بدل می‌شود؛ نمایشی که میان خنده و هراس، واقعیت‌های پنهان روابط انسانی را عریان می‌کند. این نمایش در فضایی ساده و دوستانه آغاز می‌شود؛ در کلبه‌ای جنگلی، جمعی از دوستان برای جشن اولین سالگرد ازدواج ارسلان دور هم جمع شده‌اند. با ورود تماشاگر به سالن، صحنه در تاریکی مطلق است، اما حضور بازیگران حس می‌شود و نمایش با صدای انفجاری که منبع آن نامعلوم است، آغاز می‌شود.

ترس و دلهره در چهره شخصیت‌های نمایش موج می‌زند و آنها هراسان به جست‌وجوی منبع صدا می‌پردازند و اطلاعات را از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت می‌جویند. در نهایت از طریق اخبار و رسانه‌ها مطلع می‌شوند بارانی اسیدی در راه است و احتمال خطر وجود دارد. اما نمایش به همین نقطه ختم نمی‌شود، بلکه تازه دغدغه‌ها آغاز می‌شوند؛ از کمبود آب و غذا گرفته تا مدیریت بحران، در صحنه‌های خنده‌دار و کمیک و در عین حال پرخاش و درگیرهای لفظی و فیزیکی. همه‌چیز غیرمنتظره رخ می‌دهد و برنامه‌ای برای مدیریت شرایط وجود ندارد. اخبار پلیس راهور از بسته‌شدن جاده‌ها و شل‌بودن ستاد بحران در کلبه جنگلی، این حس بی‌نظمی و اضطراب را تقویت می‌کند. در این میان، زخم رازی قدیمی بین حاضران در کلبه سر باز می‌کند. طراحی صحنه و لباس با سادگی و راحتی، فضای یک دوره‌می دوستانه را به خوبی منتقل می‌کند. همسر ارسلان که به فال‌گیری معتقد است، هر اتفاقی را به فال و طالع‌بینی ربط می‌دهد و درباره موقعیت ماه در عقرب صحبت می‌کند. همچنین در طول نمایش، قطعی اینترنت، برق و گاز بر اضطراب و تنش میان شخصیت‌ها می‌افزاید.

نمایش به موضوعاتی مثل اعتیاد و حمله عصبی می‌پردازد و همچنین مرگ و زندگی را از طریق شخصیت فرانک، دوست صمیمی جمع، بررسی می‌کند. مرکی‌که هر یک از افراد حاضر در کلبه به نوعی خود را در آن سهیم می‌دانند و با حس عذاب وجدان در آن واقعه روبه‌رو می‌شوند؛ یا به خاطر بی‌تفاوتی نسبت به فرانک یا اشتباهاتی مثل خیانت به او. گرچه در ابتدای نمایش صدای روزه حیوانات شنیده می‌شود، ولی جای موسیقی متن در طول اجرا تقریباً خالی است. حتی یک زیرصدا می‌توانست سکوت صحنه را بشکند و به فضاسازی بهتر کمک کند. صدای باران گاهی شنیده می‌شود، اما یکنواخت و تکراری است. در مقابل، طراحی لباس در عین سادگی، صمیمیت و راحتی شخصیت‌ها را القا می‌کند.



پایان‌بندی نمایش با اجرای آواز سیند امیرسلیمانی در نقش ارسلان و آهنگ «قریه من» از زنده‌یاد فریدون فروغی، تماشاگر را به سکوت و تأمل وامی‌دارد. اجرای بازیگران، شامل سپند امیرسلیمانی، صادق برقعی، مازار سیدی، مهسا طهماسبی، مونا گرمی و فاطیما بهارست، خیلی خوب و تحسین‌برانگیز است و با تکنیک‌های بازیگری، صحنه‌ها و دیالوگ‌های ماندگاری خلق کرده‌اند که در ذهن مخاطب باقی می‌ماند.

در نهایت باید گفت «باران اسیدی» نمایشی است که با فضایی دوستانه و ساده، طنز و تنش را در کنار دغدغه‌های واقعی زندگی انسانی نشان می‌دهد و مخاطب را به تأمل درباره ترس، مسئولیت و ممدلی دعوت می‌کند.